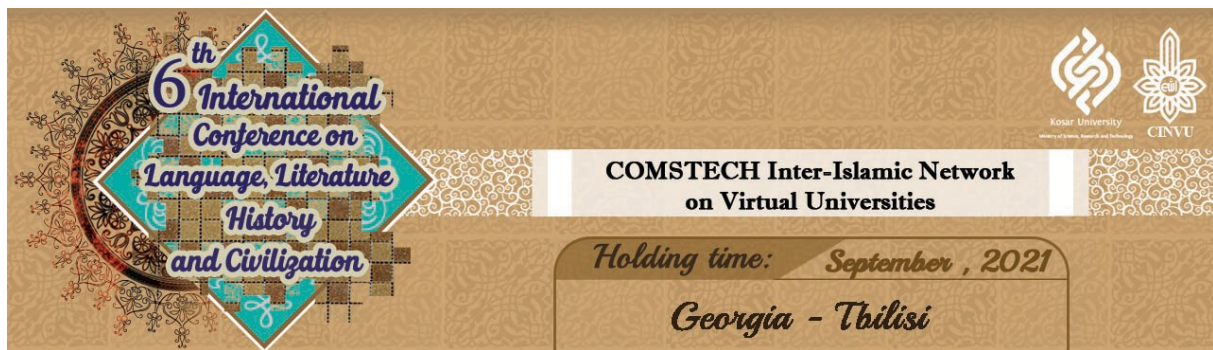




تحلیلی بر نمادپردازی (سمبولیسم) مشترک شاعران (با تکیه بر شعر سهراب سپهری و بدرشاگردالسیاب)

سعید شاه‌محمدی^۱، نگین آربین‌فر^۲

۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه محقق اردبیلی

۲- کارشناس زبان و ادبیات عربی از دانشگاه فرهنگیان

چکیده

در ادبیات معاصر شاعران به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و حتی استبداد یا اختناق شدید حاکم بر فشار اجتماع از یک‌سو و تخیلات هنری مقتضی جامعه از سوی دیگر به شعر نمادین و سمبلیک روی آوردند. شاعرانی همچون نیما، اخوان فروغ و سهراب در ایران و بدرشاگردالسیاب و جبران خلیل جبران در دنیای عرب، در دوره‌ای می‌زیسته‌اند که به دلایل مختلف اختناق اجتماعی و گاه‌آرعیات مسائل اندیشه‌ای و احتیاط و مصلحت، برخی موارد و مسائل فکری و ... را در پرده و مبهم به شکل نماد در کلام خود به کار برده‌اند و هدفشان از این کار عمق‌بخشی به شعر، مفهوم‌سازی و خلق ساختار جدید غیرصریح و مهم‌تر از همه چندصدایی کردن و دریافت تفاسیر متفاوت به تعداد خوانندگان، برای تأثیرگذاری ضمنی بر مخاطب بوده است. به عبارت دیگر خواننده با هر بار خواندن متن یا شعر معنایی (لایه جدید) جدید و تازه را کشف می‌کند و عمق شعر را می‌افزاید که به برداشت‌های سمبلیک و تأویل‌های جدید دامن می‌زند. ابهام نمادهای سهراب و بدرشاگردالسیاب بی‌شک عمدی است؛ زیرا این دو قصد دارند مخاطب را به تفکر وادارند و نمادهایشان به تعداد خواندگانش تفسیر و تعبیر داشته باشد. سهراب سپهری و بدرشاگردالسیاب از جمله شاعران مدرن‌سرای معاصر فارسی و عربی هستند که از دریچه نگاه تجریدی و وام‌گیری از نمادهای رمزآلود و سمبل‌های مختلف اندیشه‌های خود را عرضه می‌کنند. سپهری شاعری با نگرش و کلام نامتعارف است که شعرش در مسیر عادت‌زدایی‌های معنایی، تصویری و زبانی حرکت نموده و امکان دیگرگونه دیدن و اندیشیدن را برای خواننده فراهم می‌کند. شعر بدر شاگردالسیاب زبانی تأویل‌پذیر و سیال دارد و دربند کردن و محدودیت معنایی آن ناممکن. این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی پس از سیر بررسی تحول نماد در ادبیات ملل و شعر معاصر، به چگونگی پرداخت نماد توسط این دو شاعر پرداخته است.

واژگان کلیدی: ادبیات فارسی، شعر، نماد، سهراب سپهری، بدرشاگردالسیاب